



هدایتگران راه نور

زندگانی بقیة الله الاعظم

امام محمدی (عج)



آیت الله سید محمد تقی مدنی



هدایتگرانِ راہِ نور

زندگانی بقیۃ اللہ الأعظم
حضرت مہدی (عج)

آیت اللہ سید محمد تقی مدنی

مترجم: محمد صادق شریعت

چاپ پنجم

مدرسی، محمدتقی، ۱۹۴۵ -

زندگانی بقیة الله الاعظم امام مهدی (عج) / محمدتقی مدرس؛ مترجم محمد صادق شریعت:
محبان الحسین علیہ السلام ۱۳۷۹ .

ISBN 964-5648-82-3: ۲۰۰۰ ریال

۶۳ ص - (هدایتگران راه نور؛ ج ۱۴)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

چاپ قبلی: نشر بقیع، ۱۳۷۶

عنوان اصلی: الامام المهدي قدوة واسوة

چاپ پنجم: ۱۳۸۰: ۲۰۰۰ ریال.

کتابنامه به صورت زیر نویس .

۱. چهارده معصوم -- سرگذشتنامه. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ --

-- سرگذشتنامه. الف. شریعت، محمد صادق، ۱۳۴۲ --، مترجم. ب. عنوان. ج. فروست.

ج. ۱۴

۲۹۷/۹۵۹

BP ۳۶/م ۳۶۵۴

م ۷۸۲۷۴۰۸

کتابخانه ملی ایران

۱۳۷۹

هدایتگران راه نور (۱۴)

زندگانی بقیة الله الاعظم امام مهدی (عج)

آیه الله سید محمدتقی مدرس

ناشر: انتشارات محبان الحسین علیہ السلام

چاپ پنجم: پاییز ۱۳۸۰ - ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ ریال

دفتر پخش: خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - تلفن ۳۹۰۷۱۸۱

ISBN 964 - 5648 - 82 - 3

شابك ۹۶۴-۵۶۴۸-۸۲-۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه ناشر

سلسله «هدایتگران راه نور» که اکنون در دست شما می‌باشد از تألیفات حضرت آیت الله سید محمّد تقی مدرّسی، فقیه توانمند و اندیشمند فرهیخته و محقق و نویسنده برجسته جهان اسلام است. وی دارای تألیفات فراوانی است که با سبک مکتبی روان به رشته تحریر درآمده است.

علاوه بر این سلسله در حدود ۱۵۰ جلد کتاب از این فقیه توانا در کشورهای عربی به چاپ رسیده است، و در رأس تمام نوشته‌های ایشان تفسیر کامل قرآن کریم با نام «من هدی القرآن» است که در ۱۸ جلد در سبکی منحصر به فرد نگاشته و منتشر شده است. این تفسیر گرانقدر از سوی بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی و به دست چهار مترجم گرانمایه، آقایان شادروان استاد احمد آرام، دکتر عبدالحمّد آیتی، استاد پرویز تابکی و دکتر جعفر شعار با عنوان «تفسیر هدایت» چاپ و منتشر گردیده است.

همچنین در بخش «قانونگذاری در اسلام» سلسله کتابهایی در ۸ جلد با نام «التشريع الاسلامی» از ایشان به چاپ رسیده است که دو جلد آن به فارسی ترجمه

و چاپ گردیده است.

و نیز سلسله کتابهای «الفقه الاسلامی» که حاوی فتاوی حضرت آیت الله مدرّسی می‌باشد در ۱۰ جلد به چاپ رسیده است، کتابهای فقهی ایشان نیز با سبکی جدید نگاشته شده به گونه‌ای که هر خواننده‌ای را به خود جذب خواهد کرد. در این کتابها برای هر حکمی که داده شده دلایل آن را از قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام ذکر گردیده است.

ایشان دارای تألیفاتی در بار عرفان اسلامی، حکمت، تاریخ اسلامی، استراتژی انقلاب اسلامی و تمدن اسلامی نیز می‌باشد.

در پایان لازم به یادآوری است که سلسله کتابهای هدایتگران را هنوز تاکنون بیش از ۱۸ بار به زبانهای عربی، فارسی و ترکی آذری در مراکز نشر گوناگون چاپ و منتشر گردیده است.

انتشارات محبتان الحسین علیهم‌السلام مفتخر است که این سلسله را در چاپهای بی‌درهی به دستداران اهل بیت علیهم‌السلام تقدیم نماید.

انتشارات محبتان الحسین علیهم‌السلام

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين ، وصلى الله على محمد سيد المرسلين وعلى آله الهداة الميامين ، وعلى أصحابه المنتجبين ، وعلى عباد الله الصالحين .
مسائل بفرنج فلسفی هیچ گاه به عنوان تفنن فکری یا زیاده روی در ایده آلیسم مطرح نبوده بلکه غالب آنها از عمق محیط بشری برخاسته اند زیرا نظریات فلسفی می کوشند رابطه درست میان انسان و خالق و نیز میان انسان و محیط اطراف او را مورد شناخت قرار دهند.

کسانی که خواسته اند فلسفه را از این مبحث مهم جدا کنند، علت وجودی فلسفه و حکمت انتشار آن در میان مردم و توجه آنان به فلسفه را از فلسفه سلب کرده اند.

یکی از اهداف گفتگو درباره امام غایب ، « حجت خداوند بر مردم » ، و ریسمان ارتباطی میان خدا و انسان ، نشان دادن ابعاد مهم از همین ارتباط مستقیم میان آفریننده آسمانها و زمین با انسان است !!

این رابطه در انسان کاملی که در خصوصیات انسانی هیچ تفاوتی با دیگر

همنوعان خود ندارد به جز آنکه حجت خداست و رسالتهای الهی در او متجلی می‌گردد و از او یک انسان کامل می‌سازد تا پیشوا و مقتدای مردم شود، تبلور می‌یابد.

از آنجاکه بشریت سرگردان برای خود قهرمانی با عنوان سرباز گمنام و سوپرمن و قهرمانان خیالی دیگری آفریده است، دست عنایت الهی نیز انسانی از گوشت و خون خلق کرده امام او نماد تمام فضیلتها و راهبر تمام برتریهاست تا حجت خدا بر انسان باشد تا مبادا انسان به خاطر نرسیدن به جایگاه والای خویش ضعف بشری را بهانه قرار دهد.

اینک ما بر آستان این پیشوای بزرگواریم «امام حجت بن الحسن المنتظر» و من امیدوارم کسانی که بدو باور ندارند از نو در این مسأله تجدید نظر کنند، و خود را از این فایده بزرگ بی بهره نگذارند. کتابی هم که اینک پیش روی شماست، گامی است بسیار کوچک در این وادی. بنده این کتاب را حدود بیست سال پیش به رشته تحریر آورده بودم و در این چاپ در برخی از بخشهای آن بازنگریهایی به عمل آوردم و اکنون آن را به شما تقدیم می‌کنم و امیدوارم خداوند در روز قیامت مرا از نگارش این کتاب، منتفع سازد.

محمدتقی مدرسی

زندگینامه

- نام: همنام پیامبر ﷺ (م - ح - م - د) ﷺ .
- پدر و مادر: امام حسن عسکری و نرجس
- شهرت: مهدی موعود، امام عصر، صاحب الزمان، بقیة الله، قائم و...
- زمان و محل تولد: روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری قمری، در سامراء متولد شد، و حدود پنج سال تحت کفالت پدر، به طور مخفی به سربرد.
- دوران زندگی: در چهار بخش:
- ۱ - دوران کودکی حدود پنج سال تحت سرپرستی پدر و در پشت پرده خفاء، تا از گزند دشمنان محفوظ بماند؛ و هنگامی که در سال ۲۶۰ پدرش شهید شد، مقام امامت به او محول گردید.
 - ۲ - غیبت صغری: از سال ۲۶۰ هـ. ق شروع شد و در سال ۳۲۹ که حدود ۷۰ سال می شود پایان یافت. (اقوال دیگری نیز گفته شده است).
 - ۳ - غیبت کبری: که از سال ۳۲۹ شروع شد، و تا وقتی که خدا بخواهد و ظهور کند، ادامه خواهد یافت.
 - ۴ - دوران درخشان ظهور آن حضرت و حکومت جهانی او.

تباری پاک و بزرگوار

امام مهدی (عج) کیست؟

پدرش امام حسن فرزند علیؑ، فرزند محمد، فرزند موسی، فرزند جعفر، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند حسین، فرزند علی بن ابی طالب (درود خداوند بر تمامی آنان باد) بود و مادرش کنیزی ترک و از سلالهٔ پاکی بود که با اوصیای عیسی بن مریم علیها السلام پیوند می یافت. نام این کنیز، نرجس یا صیقل بود. او پیش از ازدواج با امام حسن علیه السلام در کشور خود، به خاطر خوابی که دیده بود، اسلام آورد و هنگامی که طلایه داران سپاه اسلام به دیارش هجوم بردند خود را تسلیم آنان کرد تا تقدیر، او را به خانه امام عسکری بیاورد و مادر حجت خدا گردد.

میلاد امام مهدی

در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ - و یا ۲۵۶ - هجری و در شهر سامراء پایتخت خلافت در روزگار معتصم عباسی، امام مهدی چشم به جهان گشود.

ولادت او را شواهدی بود که نشان می داد خداوند برای این نوزاد

باسعادت چه اثری بر زندگی بشر مقدر نموده است .

اجازه دهید با هم به سخنان حکیمه دختر امام جواد و عمه امام حسن گوش فرا دهیم و ماجرای ولادت آن حضرت را از زبان او بشنویم :

امام حسن عسکری مرا خواست و گفت :

حکیمه ! امشب نزد ما افطار کن . امشب نیمه شعبان است و خداوند تبارک و تعالی حجّت را در این شب آشکار فرماید . او حجّت خدا بر زمین است .

حکیمه گوید : پرسیدم مادر این نوزاد کیست ؟ فرمود : نرجس .
گفتم : فدایت گردم ! نشانی از حمل ، در نرجس نمی بینم . فرمود : همین است که با تو گفتم .

حکیمه گوید : به خانه آن حضرت آمده ، سلام دادم و نشستم . نرجس آمد ، کفش از پای من در آورد و گفت : ای بانوی من و بانوی خانواده ام امشب چگونه ای ؟ به او گفتم : تو بانوی من و بانوی خانواده منی . گفت : چنین نیست . سپس گفت : عمه چه شده است ؟ به او گفتم : خداوند متعال امشب تو را فرزندی عطا خواهد کرد که در دنیا و آخرت سرور است ...
حکیمه گوید : نرجس ، از شنیدن این سخن خجل شد و شرم کرد . چون نماز شام را گزاردم ، افطار کردم به بستر رفته ، خوابیدم . نیمه شب برای خواندن نماز شب از جا برخاستم . نرجس خفته بود و نشانی از وضع حمل نداشت . نماز گزاردم و به تعقیبات نماز پرداختم و آنگاه دو باره خوابیدم . پس از لحظه ای مضطرب برخاستم و او را دیدم که خوابیده .

سپس برخاست و نماز گزارد و خوابید. حکیمه گوید؛ برای اینکه ببینم سپیده دمیده یانه، بیرون آمدم. دیدم که هنوز فجر اول است. نرجس خفته بود. در باره سخن امام حسن علیه السلام دچار تردید شدم که ناگاه حضرت از جایی که نشسته بود با صدای بلند به من بانگ زد: «عمّه شتاب مکن! هنگام وعده نزدیک است». حکیمه گوید: نشستم و سوره‌های «سجده» و «یاسین» را قرائت کردم. در این حال بودم که ناگهان نرجس مضطرب از خواب بیدار شد. به طرف او جستم و نام خدا را بر او بردم و آنگاه پرسیدم: آیا چیزی احسان می‌کنی؟ گفت: آری عمّه. گفتم: روح و قلب خود را قوی نگه دار. این همان چیزی است که با تو گفته بودم. مرا سستی فراگرفت و او را زایمان. ناگهان متوجه صدای سرورم امام زمان شدم. پرده از نرجس برداشتم. دیدم نوزاد به دنیا آمده و سجده گاه‌های خویش را بر زمین نهاده و در حال سجده است. او را در آغوش گرفتم. دیدم (بر خلاف سایر نوزادان) تمیز و پاکیزه است.

در این هنگام امام عسکری مرا بانگ زد: عمّه! پسر مرا نزد من بیاور. او را خدمت امام علیه السلام بردم. امام دست، زیر رانها و پشت بچه گرفت و پاهای او را روی سینه خود گذارد و سپس زبان در دهانش گردانید و دست بر چشمان و مفاصلهای بدن نوزاد کشید.^۱ پس از ولادت این کودک، امام حسن عسکری آداب و رسوم تولد را به تفصیلی که در زیر می‌آید به اجرا گذارد.

ده هزار رطل^۱ نان و ده هزار رطل گوشت برای او صدقه داد و سیصد گوسفند نیز به خاطر او عقیقه کرد و از روز تولد نوزاد آنها را برای بنی هاشم و شیعیان فرستاد. سپس یاران خاص خویش را از ولادت فرزندش و اینکه او پس از ایشان امامت را عهده‌دار است، آگهی داد و آنان را فرمود تا این خبر را در میان خود مخفی نگه دارند. از محمد بن حسن بن اسحاق قمی نقل است که گفت: چون امام زمان به دنیا آمد، مولای ما امام عسکری نامه‌ای به جدّم احمد بن اسحاق نوشت که در آن به خط خویش که بدان نامه‌های خود را صادر می‌فرمود، نگاشته بود:

«نوزاد به دنیا آمد. باید این خبر پیش تو پنهان بماند و دیگر مردمان از آن اطلاعی نداشته باشند. ما کسی را از خبر ولادت او آگاه نمی‌کنیم مگر خویشاوند نزدیک را به خاطر خویشاوندی، و دوست را به خاطر ولایتش. دوست داشتیم این خبر را نیز به تو اعلام کنیم تا خداوند همچنانکه ما را بدان مسرور ساخت، تو را نیز از شنیدن آن شاد و خوشحال سازد. والسلام»^۲.

از ابراهیم، صحابی امام حسن عسکری نقل است که گفت:

«مولایم امام عسکری علیه السلام چهار قوچ برایم فرستاد و نامه‌ای نیز به من نوشت (بدین مضمون).

بسم الله الرحمن الرحيم. این قوچها به خاطر (ولادت) فرزندم محمد

۱ - رطل واحد وزن و تقریباً برابر با ۸۴ مثقال است.

۲ - کمال الدین - صدوق، ص ۱۵۸ - ۱۳۸.

المهدی است . از آنها بالذت بخور و هر که از شیعیان ما را دیدی بدو نیز بخوران»^۱

پنهان بودن میلاد حجّت الله

ولادت امام زمان علیه السلام بدین گونه انجام پذیرفت و به خاطر شرایط سیاسی آن دوران در زیر پرده کتمان پوشیده ماند . امام حسن عسکری علیه السلام تولّد فرزند خودش را جز به اصحاب خاص خود در میان ننهاد . در روایتی از کتاب غیبت ، از عده‌ای از اصحاب امام عسکری نقل شده است که گفتند :

« نزد امام عسکری علیه السلام گرد آمده بودیم و از وی در باره حجّت و پیشوای پس از او پرسش می‌کردیم . در مجلس او چهل مرد حضور داشتند . عثمان بن سعید بن عمر عمری در برابر آن حضرت بر پا خاست و گفت : فرزند رسول خدا ! می‌خواهم در باره مطلبی از شما سؤال کنم که خود بدان داناتر از منی . امام به او فرمود : بنشین عثمان ! عثمان ناراحت و خشمگین برخاست تا خارج شود . اما آن حضرت فرمود : کسی بیرون نرود . هیچ کدام از ما بیرون نرفتیم . تا پس از ساعتی که امام ، عثمان را با صدای رسا ندا داد . عثمان روی پاهایش برخاست . امام فرمود : آیا شما را به خاطر مطلبی که آمده‌اید ، آگهی دهم ؟ همه گفتند : آری ای فرزند رسول خدا ! فرمود : شما آمده‌اید تا در باره حجّت پس از من سؤال کنید :

همه گفتند: آری. ناگهان پسری را دیدیم مثل پاره ماه، شبیه تر از هر کسی به امام عسکری! فرمود: این پس از من پیشوای شماست و جانشین من بر شما. او را فرمان برید و پس از من به تفرقه دچار نشوید که در دین خویش به هلاکت افتید. بدانید که شما پس از این روز او را نخواهید دید تا عمرش کامل گردد. از عثمان بن سعید آنچه را می‌گوید بپذیرید و فرمان او را اطاعت کنید. که او جانشین امام شماست و کار به دست اوست»^۱.

دوره امامت، چگونه آغاز شد؟

خلفای عباسی بنا بر عادت معمول خویش، هر گاه فرصتی برای کشتن اولیاء الله می‌یافتند، فوراً آنها را به زهر از پای در می‌آوردند. معتصم نیز، امام حسن عسکری علیه السلام را به زهر شهید کرد و سپس در صدد یافتن فرزندان آن حضرت بر آمد تا او را نیز از میان بردارد و به خیال خویش دنباله امامت را نیست و نابود گرداند. معتصم عده‌ای را به خانه امام فرستاد تا هر که و هر چه در آنجاست توقیف کنند. بهتر است خبر این ماجرا را از زبان احمد بن عبد الله بن یحیی بن خاقان پسر وزیر معتصم بشنویم. او در این باره می‌گوید:

چون امام حسن عسکری بیمار شد. پدرم به من پیغام داد که امام بیمار شده. آنگاه خود همان لحظه سوار شد و به دار الخلافه رفت و سپس با پنج نفر از خادمان امیرالمؤمنین معتصم شتابان بازگشت. همه آنان از افراد

مورد وثوق و خواص خلیفه بودند. یکی از آنها هم «نحریر» بود. پدرم به آنها دستور داده بود در خانه حسن بن علی باشند و اوضاع و احوال او را زیر نظر بگیرند. همچنین در پی عده‌ای از پزشکان فرستاده بود و به آنان دستور داده بود که در خانه امام حسن عسکری رفت و آمد کنند و هر بام و شام از او پرستاری و مراقبت کنند.

چون دو روز از این ماجرا گذشت، کسی نزد پدرم آمد و به وی خبر داد که آن حضرت (بیماری اش شدت یافته و) ضعیف شده است. پدرم سوار شد و به خانه آن حضرت رفت و پینه‌پزشکان دستور داد بخوبی حال آن حضرت را تحت نظر بگیرند. همچنین در پی قاضی القضاة فرستاد و به او دستور داد که پیش او بیاید و ده تن از کسانی را که به دین و امانتداری و پرهیزگاری آنان مطمئن است، انتخاب کند و با خود بیاورد. آنگاه تمام آنها را به خانه امام حسن فرستاد و بدیشان تکلیف کرد که شبانه روز همانجا بمانند. آنها در آنجا بودند تا آنکه امام حسن عسکری علیه السلام درگذشت. رحلت او چند روز گذشته از ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ واقع شد. با رحلت او سامراء یکصداناله برمی‌آورد که ابن الرضا از دنیا رفت. خلیفه عده‌ای را به خانه آن حضرت فرستاد تا خانه و اتاقها را بازرسی کنند و هر آنچه در خانه است مهر و موم نمایند و نشان فرزند آن حضرت را بجویند. همچنین زنانی آوردند که از حمل و آثار آن آگاه بودند. زنان پیش کنیزهای امام رفته، یکایک آنها را معاینه کردند. یکی از این زنان ادعا کرد که در میان این کنیزها، کنیزی است که نشانه حمل با خود دارد.

از این رو دستور دادند آن کنیز را در اتاقی نگه دارند. تحریر و یارانش و نیز زنانی که با او بودند، مأمور مراقبت از این اتاق شدند.

سپس احمد بن عبدالله در ادامه گفتار خویش می‌گوید:

مأمورینی که گمان می‌کردند آن کنیز باردار است و از او مراقبت می‌کردند، دو سال و اندی وی را زیر نظر داشتند تا آنکه به اشتباه خود پی‌بردند. سپس میراث امام حسن میان مادر و برادرش، جعفر، تقسیم شد و مادرش ادعا کرد وصی او است و این امر نزد قاضی ثابت شد. سپس وی ماجرای مخالفت جعفر با وصایا را نقل کرده تا آنجا که می‌گوید:

بیرون آمدیم، وضع بر همین منوال بود، و خلیفه امروز در پی جستن نشانی از فرزند امام حسن علیه السلام است.^۱

بدین گونه قدرت جاهلی و استکباری می‌کوشید، ریشه‌های امامت را از بیخ برکند و حرکت اصیل مکتبی را دستخوش نابودی سازد. اما به مقصود خود نایل نیامدند که دست خداوند بر فراز دستان آنها بود.

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^۲؛ «خواهند پرتو خدا را با دهانهای خویش فرو نشانند اما خداوند چنین نخواهد مگر آنکه پرتو خویش را به انجام رساند، هر چند که کافران ناخوش دارند.»

۱ - کمال الدین - صدوق، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲ - سوره توبه، آیه ۳۲.

امام حجّت علیه السلام عمویی داشت ، که نامش جعفر بود . او ادعا می کرد که امامت پس از برادرش امام حسن عسکری علیه السلام حقّ اوست . بنابر همین ادعای باطل او مردم را به خود می خواند و حتی در راه رسیدن به مقصود خویش به قدرتهای ستمگر متوسّل می شد ، تا از آنها کمک بگیرد . بدون آنکه بداند آنچه موجب استمرار خط امامت است ، مقاومت در برابر همین قدرتها و رهبری توده های مؤمن بر ضد فساد و انحراف آنهاست .

جعفر که خود می دانست از شایستگیهای کافی برای امامت بهره ای ندارد . و به خوبی آگاهی داشت که اُمّت ، پیشوایی او را به رسمیت نمی شناسد . نزد عبدالله بن یحیی بن خاقان ، وزیر خلیفه وقت عباسی رفت ، و کوشید از کمکهای او بر خوردار شود . پسر این وزیر ماجرای این برخورد را چنین بازگو می کند :

پس از تقسیم میراث ، جعفر نزد پدرم آمد و بدو گفت : حقوق پدرم را برای من نیز مقرّر دار و هر سال ۲۰ هزار دینار به من انعام بده .

پدرم او را از این خواسته نهی کرد و بدو گفت : احمق ! خلیفه ، در مورد کسانی که ادعا می کنند پدر و برادرت امامند ، شمشیر خویش را آخته و تازیانه اش را بالا برده تا آنان را از این باور باز گرداند . اما این امکان برای خلیفه فراهم نشد . تا آنان را از این اعتقاد در باره پدر و برادر تو منصرف سازد . پس اگر تو پیش پیروان پدر و برادرت امام بودی چه نیازی به خلیفه داشتی که حقوق آنها را برای تو قرار دهد ؟ و اگر پیش اینان چنین جایگاهی نداری ، در نزد ما هم بدان حقوق دست نخواهی یافت .

دیری نیابید که جعفر از این ادعای دروغ خود دست برداشت و به راه صواب بازگشت و امامت حضرت حجت علیه السلام را پذیرفت. از این رو پیش شیعیان که او را جعفر کذاب نامیده بودند، ملقب به «جعفر تواب» شد.

غیبت صغری

پس از آنکه پیشوایان هدایت‌گر، طی گذشت دو قرن و نیم از عمر رسالت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله احکام و شرایع دین را تبیین کرده بودند، و پس از آنکه برگزیدگان امت از طریق جانشینان معصوم پیامبران، پرچم آنها را بر دوش گرفتند و ریشه‌های شناخت و معرفت الهی در جان هزاران هزار نفر استحکام پذیرفت، و از پس آنکه جریان مکتبی و وظیفه انقلاب بر ضد ستم و طغیان را عهده‌دار گردید و در برابر انحرافات اساسی در دین قد علم کرد، خداوند برای ولی الله اعظم حضرت حجت بن الحسن علیه السلام غیبت صغری را مقدر فرمود. این غیبت از سال ۲۶۰ هـ تا سال ۳۲۹ هـ به طول انجامید. در طی این مدت عده‌ای به نام وکیل، پُل ارتباطی میان امام و شیعیان بودند. اینان عبارتند از:

- ۱- ابو عمرو عثمان بن سعید. وی وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود و پس از درگذشت آن بزرگوار نایب امام حجت گردید.
- ۲- پس از وفات عثمان در سال ۲۶۶ هـ، امام حجت فرزند وی ابو جعفر محمد بن عثمان را نایب خویش قرار داد. مدت نیابت محمد ۴۸ سال بود.

۳- پس از محمّد بن عثمان ، حسین بن روح به نیابت رسید . او که از سال ۳۰۴ هـ ، بدین سمت منصوب شد برای مدّت ۲۲ سال از جانب امام به عنوان مرجع شیعیان عمل می کرد .

۴- پس از آنکه حسین بن روح ، ندای پروردگارش را اجابت گفت . امام علیه السلام ، علی بن سمري را به عنوان جانشین او تعیین کرد . علی بن محمّد سه سال در این منصب باقی ماند و چون وفاتش نزدیک شد ، از آن حضرت در باره کسی که پس از وی باید جانشین شود پرسش کرد . اما آن حضرت به وی آگهی داد که پس از وفات او دوره غیبت صغری نیز به پایان می رسد . در طول سالهای غیبت صغری چهار فقیه بزرگ یاد شده ، به نیابت از امام نقش رهبری را ایفا می کردند و چه بسا این مدّت برای تربیت امت برای گزینش رهبران خود در دوره غیبت کبری از میان فقها ، کسانی را که از نظر خصوصیتها به نواب اربعه بیشتر نزدیک باشند ، کافی بوده است . چرا که ضروری بود امت از میان فقهای عادل و راسخ در دانش اهل بیت ، و زاهد در دنیا و کسانی که تبلور تعالیم مکتب هستند ، بتواند کسی را برگزیند .

شاید حکمت این امر در این نهفته باشد که ارتباط الهی از وحی به وصایت (امامت) و از آن به نیابت خاصه و پس از آن به نیابت عامه ، درجه بندی می شود .

روزگار پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله ، روزگار وحی است که شاهد ماجراهای عظیمی است . پس از آنکه کار تبلیغ رسالت کامل شد ، ائمه علیهم السلام

مأمور این وظیفه شدند که آیات متشابه قرآنی را تفسیر کنند. چرا که مردم خود می‌بایست مستقیماً به آیات محکم رجوع می‌کردند. این نکته خود گامی پیش برنده در راه برخورد با وحی تلقی می‌شود.

در روزگار امامت، بسیاری از دانشمندان مسلمان در پی فراگرفتن فقه، همت گماردند تا آنجا که برخی از آنان از سوی ائمه مأمور دادن فتوا شده بودند. بعد از این دوره، مرحله نیابت خاصه آغاز می‌شود. مردم در این مرحله وظیفه داشتند از طریق مراجعه به نواب امام علیهم‌السلام و نه به صورت مستقیم، آن چنانکه در روزگار امامت معمول بود، با آن حضرت تماس بگیرند.

اما اکنون که عصر نیابت عامه است، مسلمانان باید به فقیهان عادل که بنابر مقیاسهای عمومی، به شایستگیهای آنها شناخت پیدا کرده‌اند، مراجعه کنند. این شایستگیها از زبان ائمه علیهم‌السلام برای مردم بازگو و تبیین شده است.

اگرچه ارتباط حجّت الله با اولیای خدا به اشکال گوناگونی ادامه دارد، لیکن این امر در چهار چوب احکام ظاهری داخل نمی‌گردد. چون هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که نایب خاص امام است. حتی نمی‌تواند ادعا داشته باشد که با امام ارتباط مستقیم دارد و چنانکه کسی زبان به چنین ادعاهایی بگشاید مسلمانان خود باید او را تکذیب کنند.

اگر چنین درجه‌بندی وجود نمی‌داشت، امت با فاجعه‌ای واقعی روبه‌رو می‌شد.

شمایل و صفات امام غائب

اوصاف آن حضرت با دقت تمام از زبان پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام بیان شده است. شاید فلسفه این امر بدان جهت بوده که با ذکر این اوصاف جلوی هر کسی را که قصد داشته ادعای مهدویت بکند، بگیرند. چرا که مسأله ظهور امام مهدی در آخر الزمان یکی از ضرورت‌های دینی هم شده بود. و از آنجا که فراهم آمدن تمام این صفات و ویژگیها، که در روایات اسلامی ذکر آنها رفته، در شخص مدعی مهدویت امکان‌ناپذیر است بنابراین باعث می‌شود تا دروغ او پیش مردم فاش شود.

درباره اوصاف آن حضرت چنین آمده است:

۱- رسول خدا ﷺ اوصاف حضرت مهدی را چنین بیان می‌فرماید:

« مهدی از من است، او بلند پیشانی است و دارای بینی باریکی است که میانش اندک برآمدگی دارد. مهدی از فرزندان من است. چهره‌اش چون ماه تابان است. چشمان گردی دارد. رنگش، رنگ عربی و بدنش، بدن اسرائیلی است. صورتش مثل دینار (گرد و سرخ) است. دندانهایش چون ارة (تیز و بران) و شمشیرش چون سوزش آتش است.»

۲- امام علی علیه السلام نیز در توصیف حضرت قائم چنین می‌فرماید:

« مهدی دیدگانی مشکی دارد و موهایی پر پشت. او دارای چهره سرخ و پیشانی نورانی است. صاحب خال و علامت است. عالمی است غیور دانائی است که اخبار گذشتگان را داراست. ساحت و درگاهش از همه»

شما گشاده‌تر و دانش او از تمام شما افزون‌تر و بیش‌تر از همه شما به جای آرنده صله رحم است. به مرغ (که در آسمان پرواز می‌کند) اشاره می‌کند و در دستش فرومی‌افتد، و شاخی (خشک) در زمین می‌کارد، سبز می‌شود و برگ می‌آورد».

۳- امام حسین علیه السلام در باره اوصاف آن حضرت نیز چنین می‌فرماید:
 «مهدی را از روی سکینت و وقاری که دارد و همچنین دانش او به حلال و حرام و نیازمندی مردم به او و بی‌نیازی او از مردم می‌شناسید».
 ۴- امام باقر علیه السلام اوصاف امام مهدی را چنین بیان کرده است:

«سیاهی چشمانش تابنده و پنجه‌هایش قوی و زورمند است و زانوانش بزرگ و شکمش فربه است. پشت او دو خال است، خالی به رنگ پوستش و خالی همانند خال پیامبر، ابروانش به هم پیوسته است، دیدگانش از کثرت شب بیداری و عبادت آشکار است، سیاهی چشمانش تابنده است. در صورتش اثری (خال) است، سینه‌اش فراخ است، شانیه‌هایش را (به دو طرف بدنش) رها می‌کند و سر استخوانهای کتفش بزرگ و درشت است».

۵- امام صادق علیه السلام نیز در باره اوصاف آن حضرت فرموده است:
 «مهدی خوش سیما و گند مگون است که به سرخی می‌زند، ابرو کمان و نورانی است و سیاهی چشمانش بغایت سیاه است، چشمان فراخ دارد، بالای بینی‌اش برآمده است، بینی عقابی دارد و پیشانی بلند. او خاشع است و نازک مثل شیشه، هیبتش مردم را می‌ترساند، به مردم و دلها نزدیک

است ، شیرین گفتار و خوش سیماست ، ساقهایش باریک است و بدنی نیرومند دارد ، چون بر کوه بانگ زند صخره‌ها از هم پاشند و فروریزند ، دست برینده‌ای نمی‌نهد جز آنکه دلش همچون پاره‌های آهن (سخت و نیرومند) می‌گردد ، نه بسیار بلند بالاست و نه بسیار کوتاه بلکه میانه قامت است ، سرگرد دارد و سینه فراخ ، بلند پیشانی است و ابروهایش پیوسته است ، برگونه راستش خالی است گویا دانه مشک است که بر قطعه عنبر ساییده باشند .

۶- امام رضا علیه السلام نیز اوصاف امام را چنین بیان کرده است :

« او شبیه من و شبیه موسی بن عمران است . هاله‌هایی از نور او را احاطه کرده که به پرتو قدس درخشیدن گیرد . دارای اعتدال اخلاق است و رنگی شاداب دارد . در هیأت بدنی به رسول خدا صلی الله علیه و آله شبیه است . نشانه‌اش آن است که (از نظر سن) سالخورده است اما سیمای جوان دارد تا آنجا که بیننده او را چهل ساله یا کمتر می‌انگارد . دیگر از علایم او آن است که تا گاه مرگ و با وجود گذشت روزها و شبها ، اصلاً پیر نمی‌شود .^۱

۱- روایاتی که در این باره ذکر شد برگرفته از کتاب « یوم الخلاص » نوشته کامل سلیمان از صفحات ۵۱ تا ۵۵ بود .

انتظار فرج یا آرزوی شورآفرین

بعضی از سنتهای الهی هستند که حیات جوامع بر اساس آنها جریان می‌یابد، و زندگی افراد را در جامعه دستخوش دگرگونی می‌سازند. یکی از برجسته‌ترین این سنتها پیروزی حق و راندن باطل است:

وَقَدْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا^۱.

« بگو حق بیامد و باطل نابود شد که باطل نابود شونده است. »

کشتی زندگی سرانجام بر کرانه‌های دریای رحمت خدا لنگر خواهد انداخت که رحمت خدا بر غضب او پیشی گرفته، و از سوی خداوند مردم را آفرید تا بدانها رحمت آرد.

پروردگار سبحان ما را بدین سنت متوجه می‌سازد، سنتی که اگر در تاریخ بشر و در ظواهر هستی در آن نیک تأمل کنیم آثار آن را به روشنی تمام خواهیم دید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

المُشْرِكُونَ ۱

« اوست آن که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد تا بر سایر کیشها چیره اش گرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید . »

تا زمانی که آسمانها و زمین به حق و بر پایه حق آفریده شده اند ، قدرت و حاکمیت و سیادت حق نیز باید با سیر هستی در پیوند باشد و به رخصت خداوندی نتیجه تکامل حوادث و رویدادهای هستی باشد :

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ ۲

« و در زبور بنوشتیم پس از ذکر که بندگان شایسته من زمین را ارث برند . » این حقیقت که مکاتب الهی بر آن تأکید کرده اند تنها محدود به یک قوم و یا منحصر به وراثت صالحان در قسمتی محدود از زمین نیست . بلکه بیانی است برای سنتی الهی و عمومی که در شورشها و انقلابهای صالحان بر ضد ستمگران و طاغوتیان متحقق می شود و بطور کامل در وراثت صالحان از تمام جهان تجلی می یابد . دلیل ما بر این سخن آن است که :

أولاً : کلمة ارض (زمین) در آیه مذکور با الف و لام آمده که خود نشان دهنده آن است که مراد از « الارض » تمام زمین است .

ثانياً : تأکید قرآن بر این حقیقت در چندین کتاب آسمانی دیگر آمده

۱ - سورة توبه ، آیه ۳۲ .

۲ - سورة انبياء ، آیه ۱۰۵ .

است و مجالی برای شک در این نکته باقی نمی‌گذارد که این امر سنتی است الهی که خداوند روند رویدادهای هستی را مطابق با آن به جریان می‌اندازد تا بالاخره بطور کلی متحقق گردد.

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ^۱.

« وخواهیم بر مستضعفان در زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم. و فرمانرواییشان دهیم در زمین و به فرعون و هامان و سپاهیان ایشان نشان دهیم آنچه را که از آن می‌ترسیدند. »

تجربه‌های بشری حاکی از آن هستند که روند طبیعی نظامهای حاکم بر زمین به گونه‌ای است که با اتکا به آنها نمی‌توان بدین آرمان والا و نهفته در روح افراد بشر که عبارت از همان تحقق یافتن مدینه فاضله است دست یازید. جایی که عدل و داد در آن برتری دارد و حق بی هیچ شریکی در چهار گوشه آن حکم می‌راند.

بنابر این چطور و چه هنگام می‌توان بدین آرمان فطری و مشروع جامه تحقق پوشاند؟ آیا ممکن است بشر به گونه‌ای معمولی تکامل یابد تا به این درجه والا برسد؟

زرادخانه‌های سلاحهای اتمی و شیمیایی، و توطئه‌های مستکبران بر ضد مستضعفان، و عقب نشینی آشکار بشریت از میدانهای فضیلت

و هدایت ، و فرو افتادن خوفناک آن در پرتگاه فساد و تجاوز و ستمگری
دلیلی آشکار بر اینکه تنها راه تحقق اهداف و آرمانهای انسان ، همان
رحمت خداست که انسان را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آورد .

این رحمت تنها در ظهور امام حجت (عج) ، دوازدهمین امام از
خاندان رسول خدا خاتم پیامبران ، و مقتدای راستکاران ، متجلی است .
و ایمان بدین حقیقت راست ، در دل‌های مؤمنان شعله‌ای جاوید از آرزو
و امید بر می‌افروزد ، امید و آرزویی که در حرکت تکاملی انسان به مثابه
نیروی محرکه او محسوب می‌شود .

این امید الهی است که با شاخصه « سعی و تلاش » با آرزو و امید تفاوت
می‌یابد . زیرا سعی برای متحقق ساختن این امید الهی شرطی ضروری به
شمار می‌رود حال آنکه آرزو و امید توجیهی است برای ماندن و حرکت
نکردن .

این آرزو و امیدی است که مجاهدان را از تیرگیهای ناامیدی و یأسی که
شیطان با بهره‌گیری از شرایط خفقان و اضطراب و ناتوانیهای مادی در دل
آنان راه داده ، رهایی می‌بخشد .

این امید و آرزویی است که بر نگاهها و مواضع فرد منعکس می‌شود ، و
بدان رنگی از خوش بینی مثبت می‌زند و روح بدبینی و گمان و منفی بافی و
شکست که دستگاههای طاغوت و وسوسه‌های طاغوتیان می‌کوشند آن را
در جسم و جان عاملان و کوشندگان راه خدا تزریق کنند ، از آنها می‌راند و
می‌زداید . شاید به خاطر همین حکمت باشد که در حدیث نبوی

آمده است :

« برترین کارهای امت من، انتظار فرج است. »

امام زمان در آیات و روایات

ظهور عزیر علیه السلام و بازگشت عیسی علیه السلام و رجعت بهرام در ادیان یهودی و مسیحی و زردشتی با ظهور خاتم اوصیا، حضرت حجّت علیه السلام تحقق خواهد پذیرفت.

تفسیر پنجاه آیه قرآن و دهها حدیث از پیامبر اکرم و صدها روایت نقل شده از اهل بیت همه با ظهور آن حضرت صورت تمام به خود می گیرد.

بیش از ۶۵۷ حدیث در باره مهدی موعود به تواتر نقل شده است.^۱ این روایتها را بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند. در باره ظهور آن حضرت، دانشمندان اهل سنت بیش از ۱۴۴ کتاب نوشته اند.^۲ بسیاری از دانشمندان مسلمان، از مذاهب مختلف، مدعی تواتر حدیث در این باره هستند و ما نیازی به بحث با ادیان آسمانی در باره شخص امام مهدی نداریم چون دارای زمینه مشترک حدیث با آنها نیستیم بلکه به جای پرداختن به این کار باید به بحث پیرامون نظریه ای پردازیم

۱ - تفصیل این احادیث را در بحار الانوار، جلد ۵۱ تا ۵۳ و نیز در منتخب الاثر، ص ۳۱ تا ۶۰ می توانید یافت.

۲ - نام این مؤلفان در کتاب « الامام المهدی » ص ۲۹۹ تا ۳۱۸ آمده است.

که می‌گوید: حضرت مهدی در آخر الزمان متولد می‌شود و سپس ظهور می‌کند. ما گمان می‌کنیم زندگی طولانی امام، به عنوان یک مشکل روانی که در برابر ایمان به زنده بودن امام نمود پیدا می‌کند. بنابراین به ما اجازه دهید نخست به بحث پیرامون قضیه طول عمر پردازیم و آنگاه در باره آن نظریه به بحث بنشینیم.

مسأله طول عمر

پروردگار سبحان با نعمت دیرپا و رحمت گسترده خویش خواست حجّت را بر بندگانش تمام فرماید. بدین ترتیب که رسولان خویش را به سوی مردم فرستاد تا مبادا زمین از وجود حجّت خالی بماند. خداوند عمر خاتم اوصیا را طولانی فرمود. چون پس از درگذشت محمد ﷺ پیامبری نبود تا رشته پیوند میان زمین و آسمان باشد. بنابراین با انقطاع وحی، ارتباط غیبی از طریق یکی از اولیای خدا همچنان استوار ماند.

قدرت خدا که در هر چیز نفوذ دارد و بدان آسمان و زمین را بیافرید، خدای سبحان را از دراز گردانیدن عمر انسان عاجز نمی‌سازد.

ما به عنوان یک مسلمان بر این باوریم که خداوند، نوح را ۹۵۰ سال و حتی بیشتر عمر داد و عیسی و ادریس و عبد صالح (خضر) را تا همین حالا نیز زنده نگاه داشته است، پس چگونه ایمان نیاوریم به اینکه امام زمان ﷺ نیز از عمر دراز برخوردار است؟

دین و پدیده طول عمر

اینک از بعد دینی محض در باره این موضوع گفتگو می‌کنیم. هر یک از معتقدان به ادیان یهودی، مسیحی و اسلامی بر این باورند که قدرت خداوند شامل تمام امور و از جمله دراز گردانیدن عمر یکی از افراد بشر می‌شود. بنابراین کسی که باید در هفتاد سالگی بمیرد، خداوند می‌تواند او را بطور مثال تا هزار سالگی هم زنده بدارد.

آنها عملاً چنین اعتقادی دارند. زیرا هنوز هم بطور اصولی، حیات بسیاری از کسانی که جلوتر از امام مهدی علیه السلام به دنیا آمده‌اند، مثل خضر، ادریس و عیسی علیه السلام، را پذیرفته‌اند و عقیده دارند که آنها در آینده نیز زنده خواهند ماند.

بعلاوه کتابهای دینی آنان نشانگر آن است که برخی از افراد بشر در گذشته‌های دور مدّت درازی در بین مردم زیسته‌اند. به عنوان مثال آدم بنابر اعتقاد یهود که در تورات هم بدان اشاره شده، ۹۳۰ سال عمر کرد. در این باره در تورات آمده است:

«تمام مدّت عمر آدم ۹۳۰ سال بود و آنگاه مرد.»

(سفر تکوین، اصحاح پنجم، آیه ۵)

شیت نیز بنابه تصریح تورات ۹۱۲ سال زیست:

«تمام مدت عمر شیت ۹۱۲ سال بود و آنگاه مرد.»

(سفر تکوین، اصحاح پنجم، آیه ۸)

نوح نیز به اعتقاد آنها ۹۵۰ سال عمر کرد:

« تمام مدت عمر نوح ۹۵۰ سال بود و آنگاه مرد. »

(سفر تکوین ، اصحاح نهم ، آیه ۲۹)

مسلمانان نیز بر این باورند که عیسی و خضر و الیاس زنده‌اند . یاد آوری این حقایق ما را از ذکر اسامی معمرین بی نیاز می‌گرداند .

آیا امام مهدی زنده است؟

در صفحات گذشته گفتیم که مذاهَب اسلامی تقریباً بر قضیه وجود مصلحی که به امر خدا در آخر الزمان قیام می‌کند و از نسل رسول خدا ﷺ و فرزند فاطمه علیها السلام است ، اتفاق نظر دارند . کتابهای آنان آکنده از احادیثی است که به تواتر برای اثبات این نکته وارد شده است . بعلاوه بسیاری از دانشمندان مسلمان کتابهایی در باره این موضوع بطور مشروح و مفصل نگاشته‌اند . البته ما منکر وجود عده دیگری از دانشمندان که با این عقیده مخالفند ، نیستیم . این عده در باره این احادیث می‌گویند : حدیثهایی که دارای غرایب است پذیرفتنی نیستند . ولی احادیث و روایاتی که در رابطه با امام مهدی (عج) عجیب و غریبتر از احادیثی که در باره امتهای گذشته و آنچه در زمان آنان رخ داده نیست .

در اینجا باید نکته‌ای را متذکر شد و بدان پرداخت که مذاهَب اسلامی در باره آن به اختلاف پرداخته‌اند .

آیا امام مهدی فعلاً زنده است یا اینکه در آینده به دنیا خواهد آمد ؟

پیش از آنکه وارد این بحث شویم باید این نکته را یاد آوری کنیم که هیچ کدام از مذاهب اسلامی وجود امام مهدی (عج) را انکار نکرده‌اند. اما تأویل روایاتی که در این باره وارد شده تنها یک علت داشته است و آن بعید شمردن زنده بودن آن حضرت از سال ۲۵۵ هجری تا کنون است.

در باره زنده بودن امام مهدی (عج) دلایل و شواهد فراوانی وجود دارد که ذیلاً به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

الف - احادیث پیامبر ﷺ در مورد ائمه اثنی عشر، به تواتر نزدیک است و دانشمندان مسلمان بر صحت آنها و نیز ثقه بودن راویان آنها اجماع کرده‌اند. در زیر به برخی از این احادیث اشاره می‌کنیم:

۱- از جابر بن سمره نقل است که گفت: شنیدم پیامبر اکرم می‌فرماید: «پس از من دوازده امیر باشند...».

آنگاه کلمه‌ای گفت که من نشنیدم. پدرم گفت: آن حضرت فرمود: «... همه آنها از قریش هستند».^۱

۲- رسول خدا فرمود: «پس از من دوازده امیر باشند...».

سپس چیزی فرمود که من نفهمیدم. از کسی که پشت سرم بود سؤال کردم. گفت: آن حضرت فرمود: «... همه آنها از قریش هستند».

ترمذی گوید: این حدیث حسن و صحیح است.^۲

۱ - صحیح بخاری، جزء چهارم، کتاب الاحکام، ص ۱۷۵، چاپ مصر سال ۱۳۵۵ هـ.

۲ - صحیح ترمذی، جزء دوم، باب ما جاء فی الخلفاء، ص ۴۵، چاپ دهلی نو سال

۳- (جابر) گوید: با پدرم نزد پیامبر ﷺ رفتیم. شنیدم که آن حضرت می فرمود: « این امر پایان نیابد مگر اینکه دوازده خلیفه در بین آنها (مردم) بیایند... » جابر بن سمره گوید: سپس سخنی فرمود که بر من معلوم نشد. از پدرم پرسیدم: چه فرمود؟ گفت: او فرمود: «... همه از قریش هستند»^۱.

۴- جابر بن سمره گوید: شنیدم از رسول خدا که می فرمود: « این دین تا (روی کار آمدن) دوازده خلیفه همچنان ارجمند باقی می ماند. مردم تکبیر گفتند و فریاد کشیدند... »
آنگاه سخنی آهسته بر زبان آورد. از پدرم پرسیدم: پدر ایشان چه فرمود؟ گفت او فرمود: «... همه آنها از قریش هستند»^۲.

۵- جابر گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: « این امت را دوازده خلیفه باشد»^۳.

اگر احادیثی را که در نزد فریقین صحیح است و بر این نکته تصریح کرده اند که خلفا از قریش هستند، به آن اخبار روایاتی که مکارم و فضایل اهل بیت را بیان می کنند و خاطر نشان می سازند که آنها مثل ستارگان، زمینیان را حفظ و هدایت می کنند، بیفزاییم، و تمام آنها را به احادیثی

۱- صحیح مسلم، کتاب الامارة، باب الناس تبع لقریش والخلافة من قریش، ص، ۱۹۱، ج ۲ ق ۱.

۲- صحیح ابی داوود، ج ۲، کتاب المهدی، ص ۲۰۷.

۳- مسند احمد، وی با این حدیث روایت دیگری را از جابر از ۳۴ طریق نقل کرده است.

اضافه کنیم که بیان می‌کنند کار دین و خلافت به آنان منتهی خواهد شد و اگر حتی دو نفر در زمین باقی باشند آنها خواهند بود، و نیز یافتیم که امام مهدی می‌بایست از آنها باشد و مهدی آنها، آخرین ایشان است و اگر بدین احادیث روایت‌هایی را که از پیامبر اکرم نقل شده که فرموده است: «آخرین این دوازده نفر قائم امت و مهدی آن است» اضافه کنیم، با شناخت تمام این احادیث، می‌توان گفت: امام فعلاً وجود دارد چون دوازدهمین امام از ائمه علیهم‌السلام است. یازدهمین امام حضرت حسن عسکری بوده که به اجماع مورخان جز یک پسر از خود بر جای نگذاشته، چنانکه در اخبار آمده است، و این پسر همان مهدی است. بنابراین او باید زنده باشد.

ب - پیش از این گفتیم باید حجّتی دائم برای مردم باشد تا به مثابه یک حلقه مردم را با پروردگار مرتبط سازد. اگر این سخن ثابت شود، حیات امام و وجود فعلی او به عنوان راهبری برای خلق نیز ثابت خواهد شد. غیبت آن حضرت مستلزم آن نیست که از او سودی نباشد. چون او به طبیعت ارتباط غیبی خویش با خداوند توانا و دانا می‌تواند، غیر مستقیم آنچه را که مصلحت می‌بیند محقق سازد. چنانچه خداوند قادر باشد تواناییهای شگرفی به فرشتگان مقرب خود عطا کند و آنها را از شایستگیهای بزرگ بهره‌مند سازد، بر این نیز توانا خواهد بود که به پیامبر یا جانشین او همچون امام مهدی (عج) همین تواناییها و شایستگیها را عنایت فرماید.

اگر سنت جاری خداوند در میان بندگان این گونه باشد که برای هر کار سببی قرار دهد و کارها را با اسباب آنها به جریان اندازد چه مانعی است از پذیرش تئوری سبب قرار دادن یکی از بندگان صالح و مطیع خدا و لو به صورت غیبی برای برخی از امور؟ چنان که ما در باره امام حجّت علیه السلام همین عقیده را داریم.

از اینجا می توان دریافت که ایمان به امام غایب، بخشی اساسی از ایمان به غیب به عنوان یک کلّ است و کسی نمی تواند ایمان خود را بخش بخش کند یعنی تسلیم غیب شود. اما تأیید امام حجّت به غیب را انکار کند، یا به پشتیبانی و تأیید فرشتگان از رسول خدا ایمان بیاورد اما به ممکن بودن تأیید و پشتیبانی امام غایب از میان صالحان کفر بورزد.

مهدی، حجّت شاهد

امام زمان علیه السلام با اجازه خداوند شاهد بر مردم است. شناخت مؤمنان از این حقیقت موجب می شود که آنها در نیکیها از یکدیگر سبقت گیرند و به سرور خویش اقتدا کنند و حیات خویش را نسخه ای از حیات سرور و ولی امر خود قرار دهند.

از آنجا که امام حجّت علیه السلام پیشوای زنده است و رهبری حقیقی از آن اوست، بنابر این کسی جانشین اوست که بدو نزدیک تر باشد و بهتر به هدایت او اقتدا کند. از این رو آن حضرت به منزله میزان در انتخاب رهبری است و حتی می تواند خط الهی را که صالحان بدان گرایش دارند از

خطوط پراکنده‌ای که راست و استوار نیستند، جدا سازد.

امام در کتابهای آسمانی

با اینکه کتابهای فعلی آسمانی از تحریف در امان نمانده‌اند، در آنها به پاره‌ای از حقایق بر می‌خوریم که اگر چه به تنهایی برای اثبات این واقعیت مفید واقع نمی‌شوند، اما می‌توانند برای احتجاج با کسانی که به همان آیین مؤمن هستند مؤثر باشند آنچه در سطور بعد می‌آید قسمتهایی از کتابهای آسمانی در باره امام مهدی علیه السلام است:

۱- «صدیقان زمین را تا ابد وارث گردند»

(کتاب مزامیر، مزمور سی و هفتم)

بعلاوه این کتابها جزئیات بسیاری را در باره اوضاع آخر الزمان در بردارند که مؤید مطالبی هستند که در احادیث مسلمانان یاد شده است. سپس می‌گوید: «اما اشرار همگی نابود می‌شوند».

۲- «وای بر امت خطاکار، مردم گرانبار گنهکار، تبار بدکنندگان،

فرزندان مفسدان، پروردگار را وانهادند...».

تا آنجا که می‌گوید: «... سر زمین شما را غریبان پیشاروی شما می‌خوردند و آن همچون واژگونی بیگانگان ویران گردیده است. پس از این به دیار عدل و شهر امن مسقی خواهی شد».

(کتاب اشعیاء، اصحاح اول)

۳- پس پرچمی برای امتهای بعید بر افرازد. برای آنها از نقطه دور

دست زمین بانگ می زند . آنها ناگهان با عجله می آیند در حالی که میانشان نه وامانده‌ای است و نه افتاده‌ای .

(اصحاح پنجم)

« تا آنکه شهرها ویران و بی سکنه و خانه‌ها بی مردم شوند . زمین ویران و خراب گردد و خداوند انسانها را دور گرداند و خرابی در زمین فزونی گیرد و اگر در آن زندگی باقی می ماند ، پس آن نیز ویران میشود و مثل چنار و بلوط که چون بریده شوند ، کنده آنها باقی می ماند ، کنده آن ذریت مقدس خواهد بود . »

(کتاب اشعیاء ، اصحاح ششم)

۴ - خدای آسمان مملکتی را بر پای می دارد که هرگز منقرض نمی شود و پادشاهی آن به مردم دیگر واگذار نمی شود . تمام این ممالک نیست و نابود می شوند اما این مملکت تا ابد پا بر جا می ماند .
« ... خوشا آنکه منتظر ماند . »

(کتاب حجار - اصحاح دوم)

۵ - « پروردگار سپاهیان گفت . این بار پس از اندکی آسمانها و زمین و دریا و خشکی را می گردانم و تمام امتها را به لرزه در می آورم . و پس از آن تمام امتها می آیند و این خانه را پر می کنند . »

(کتاب حجی ، اصحاح دوم)

۶ - « در تمام زمین پروردگار می فرماید : دو سوّم نابود می شوند و می میرند و یک سوّم در زمین می مانند . یک سوّم را وارد آتش کنم

و چون گداختن و پاک شدن نقره، پاکشان کنم و آنها را مثل زر مصفایشان سازم. او اسم مرا می خواند و من پاسخش می گویم. گویم او قوم من است و او گوید: پروردگار معبود من است.^۱

(کتاب زکریا، اصحاح سیزدهم)

۷- «یسوع، همینکه از پیش شما به سوی آسمان صعود کرد، به سوی شما باز خواهد گشت، همان گونه که دیدید به آسمان روانه شد.»^۲

(کتاب اعمال رسولان، انجیل، اصحاح اول)

۸- «و چنانچه رفتم و برای شما جایگاهی مهیا ساختم دو باره باز می گردم.»

(انجیل یوحنا، اصحاح چهاردهم)

۹- «چون او پس از اندک زمانی بر می گردد و تأخیر نخواهد کرد.»

(اصحاح دهم از نامه‌ای که خطاب به عبرانیان بوده است)

۱۰- «خداوند نشسته است تا ابد الآباد و تخت خویش را برای داوری بر پاداشته است و او ربع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد و امتها را به راستی داد خواهد داد» سپس می گوید:

«و آن که نزد شماست به چنگ آویزید تا بیاید آن که غلبه می کند

۱- در بسیاری از احادیث اهل بیت آمده است که دو سوم زمینیان می میرند و یک سوم دیگر باقی می مانند و سخت پاک و خالص می شوند.

۲- روایات دینی ما از رجوع عیسی علیه السلام با مهدی سخن می گویند کاملاً شبیه آنچه در این کتاب آمده است.

و اعمال مرا تا پایان محافظت می‌نماید. پس بدو قدرتی بر امتها عطا خواهم کرد و او آن را به میله‌ای آهنین پاس خواهد داشت، همچنان کاسه‌ای از سفال را خواهد شکست و بدو ستاره صبح را عطا خواهم کرد، هر که را گوش است باید آنچه را که روح به کینه‌ها می‌گوید، بشنود» .

۱۱ - «اما کسی به آن روز و آن ساعت علم ندارد» .

(انجیل متی ، اصحاح بیست و چهارم)

- نگارنده برگزیده‌هایی که از عهدین (انجیل و تورات) نقل کرد، شرحی ننوشت چون می‌بیند آنها با اندکی اختلاف با مضامینی که در احادیث صحیح اسلامی درباره علایم ظهور و نشانه‌های دولت حق آمده است . مطابقت دارد -

اما زرتشتیان آنان نیز معتقد به رجوع انسانی به نام « بهرام » هستند . معنی بهرام نیز با مهدی تفاوت چندانی ندارد .

برهماییها هم بنابر ادعای خود معتقد به ظهور « کریشنا » هستند . شواهد و دلایل بسیاری در دست است ، مبنی بر آنکه عده‌ای از پیامبران و صالحان با امام مهدی علیه السلام همراهند تا حق را بر تمام زمین آشکار کنند و چه بسا بهرام و کریشنا هم در زمره همین صالحان باشند که ما نام آنها را نمی‌دانیم .

ظهور امام زمان در نزد ائمه علیهم السلام « قیامت صغری » قلمداد می‌گردد چون از هر امت ، شاهی بر انگیخته می‌شود .

نشانه‌های ظهور

در این بخش از برخی نشانه‌ها که پیش از ظهور حضرت قائم علیه السلام تحقق می‌یابد، سخن می‌گوییم. نشانه‌هایی همچون فراگیر شدن فساد و ستم در تمام زمین و گسترش فحشا و گردنکشی و دگرگونی‌های آسمانی و قحط شدید و جنگهای خونین که دو سوّم از ساکنان روی زمین را در کام خود فرو می‌برد، و ظهور کسی که دجال خوانده می‌شود و مردم را به باطل دعوت می‌کند و آنها نیز به گرد وی جمع می‌شوند و بالاخره ادعای بعضی که می‌گویند او مصلح اکبر است و سپس ناکامی او در متحقق ساختن مدعایش. مادر ذکر این نشانه‌ها به استناد روایاتی که از پیامبر گرامی و ائمه اطهار علیهم السلام تکیه می‌کنیم.

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی این امت از ماست، هنگامی که هرج و مرج دنیا را فراگیر و فتنه‌ها آشکار گردند و راهها ناامن شود و برخی از مردم بر برخی دیگر هجوم برند. پس بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک بزرگ را احترام نکند در این هنگام خداوند مهدی ما را مبعوث فرماید. او نهمین کس از

فرزندان حسین علیه السلام است. دژهای ضلالت و دل‌های بی‌خبر را بگشاید، در آخر الزمان به کار دین پردازد چنانکه من در اوّل الزمان بدان پرداختم، زمین را از عدل و داد پر کند، چنانکه از ظلم و بیداد پر شده باشد».

۲- همچنین پیامبر گرامی در حدیثی طولانی که آن را امام علی علیه السلام نقل کرده است. فرمود: «سپس ندایی بر خیزد که از دور شنیده شود چنانکه از نزدیک شنیده می‌شود این ندا رحمت است بر مؤمنان و عذاب است بر کافران. (امام گوید): پرسیدم: این ندا چیست؟ فرمود: سه نداست در ماه رجب نخستین آنها این است: لعنت خدا بر ستمگران. و دوّمی این است: نزدیک شونده نزدیک شد و سوّمی این است: پیکر آشکاری را با طلیعه خورشید می‌بینند (که می‌گویند): هان که فلانی مبعوث شد و نسب او را تا علی ذکر می‌کند. هلاک ستمگران در این روز است و در این هنگام گشایش حاصل می‌شود. عرض کردم: ای رسول خدا! پس از من چند امام خواهد بود؟ فرمود صلی الله علیه و آله: پس از حسین ۹ امام که نهمین آنان قائم ایشان است»^۱.

۳- در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: عرض کردم ای خدای من و سرورم! چه وقت مهدی ظهور خواهد کرد؟ خداوند وحی فرمود:

«این امر هنگامی روی دهد که علم کنار رود و جهل آشکار گردد، قاریان (قرآن) فزون شوند و عمل به آن اندک شود. کشتار زیاد شود

۱- منظور امام منتظر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» است.

و فقیهان هدایتگر کم شوند، و فقیهان گمراه و خائنان زیاد شوند، شاعران فراوان گردند، امت تو قبرهایشان را مسجد گیرند.^۱، مصحفها و مسجدها زیور و زینت داده شوند، ستم و تباهی فزونی گیرد، نیرنگ آشکار شود و کار امت بدان وابسته باشد، نهی از معروف شود، و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا ورزند، امیران کافر باشند و دوستانشان فاجرو یارانسان ستمگر، و صاحب نظرانشان فاسقان. در این هنگام سه نشانه پدید خواهد آمد. خسوفی در مشرق و خسوفی در مغرب و خسوفی در جزیره العرب. و نیز در بصره به دست یکی از افراد نسل تو که زنگیان او را پیروی می کنند، خرابی پدید آید. و مردی از تبار حسین بن علی خروج می کند، و دجال ظاهر می شود، از مشرق از سجستان، خروج می کند و سفیانی ظاهر می شود».

۴- آن حضرت در حدیثی در این باره نیز می فرماید:

«به خاطر داشته باش... علامت ظهور حجّت این است که چون مردم نماز را میراندند و امانت را ضایع کردند و دروغ را روا شمردند و ریا خوردند و رشوه ستاندند و ساختمانها را محکم ساختند و دین را به دنیا فروختند، سفیهان و نابخردان را به کار گرفتند و با زنان رایزنی کردند، پیوندهای خویش را قطع کردند، پیرو هواها شدند، و خونها را کوچک شمردند...»

۱- مقصود عبادت اشخاص است که شرک به خداست و ربطی به تقرب به خدا از طریق توسل به قبور صالحان که سنت اسلام و مسلمین از آغاز بر آن است، ندارد، همچنین مقصود از زیور و زینت دادن مصحفها و مساجد این است که مسلمان به هنگام ظهور تنها به مظاهر توجه دارند نه به حقایق و محتواها.

... حلم، ضعف باشد و ستمگری فخر، امیران فاجر باشند و وزیران ستمگر، کار گزاران قوم خائنان باشند و قاریان فاسقان، گواهی بنا حق آشکار گردد و گناه و تباهی و بهتان و گناه و طغیان فزونی پذیرد، و مصحفها و مسجدها زینت و زیور داده شوند و مناره‌ها بلند ساخته شوند، و اشرار قدردانی شوند، و صف بندیهای بسیاری می‌شود، تمایلات مختلف شوند، و پیمانها زیر پا نهاده شوند، و آنچه وعده داده شده نزدیک شود، زنان به خاطر حرص به دنیا با شوهرانشان در تجارت مشارکت کنند، و بانگ فاسقان بلندی گیرد، و سخن آنان اطاعت شود، و رهبر قوم پست ترین آنها باشد، و از ترس شرگنهکار از او بترسند و پرهیز کنند، و دروغگو را تصدیق نمایند و خائن را امین شمارند، و اسباب و آلات موسیقی فراهم کنند، و آخر این امت اول آن را نفرین فرستد، زنان خود را همانند مردان سازند و مردان به زنان همانند شوند، و شاهد، بی آنکه از او شهادتی خواسته باشند گواهی دهد، و برای غیر دین به تفقه پردازد، و کار دنیا بر آخرت ترجیح داده شود، و پوست میش بر گرگها بپوشانند حال آنکه دلهایشان بویناک تر از مردار باشد، در این هنگام است الوحی الوحی، العجل العجل. در آن روز بهترین خانه‌ها بیت المقدس خواهد بود و بر مردم زمانی خواهد آمد که هر کس آرزو می‌کند، ای کاش او هم یکی از ساکنان بیت المقدس بود.»

۵- آن حضرت همچنین در این باره فرمود:

«خروج قائم را ده علامت باشد، نخستین آنها شکافتن پرچمها در کوچه‌های کوفه، و تعطیل مسجدها، و نرفتن حاجیان به حج، و خسف

و قذف در خراسان ، و طلوع ستاره دنباله دار ، و نزدیک شدن ستارگان ، و هرج و مرج ، و قتل و غارت . اینها ده نشانه‌اند . از یک نشانه تا نشانه دیگر شگفتی است . پس چون نشانه‌ها تمام و کامل گردند قائم ما قیام خواهد کرد .»

۶- امام حسین علیه السلام فرمود :

« چون دیدید منادی از مشرق سه یا هفت روز ندا در داد ، منتظر فرج آل محمد علیهم السلام باشید ان شاء الله منادی از آسمان به نام مهدی بانگ می‌زند . ندای او از مشرق و مغرب شنیده می‌شود و هیچ کس خواب نمی‌ماند جز اینکه بیدار می‌شود و هیچ کس ایستاده نیست مگر اینکه می‌نشیند و کسی ننشسته جز آنکه هراسان به پا بر می‌خیزد . پس خدا پیامرزد کسی را که این صدا را بشنود و آن را پاسخ گوید . زیرا صدای اوّل ، صدای جبرئیل روح الامین است .»

۷- در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود :

« سلمان ! سوگند به آن که جانم به دست اوست هنگام ظهور چیزی از مشرق و چیزی از مغرب آورده شود . پس وای بر ناتوانان امّت از شرّ آنها و وای بر ایشان از عذاب خدا . به کوچک رحم نمی‌کنند و بزرگ را پاس نمی‌دارند و از گنهکار جلوگیری نمی‌کنند ، کالبدشان کالبد آدمیان است و دل‌هایشان دل‌های شیاطین ...»

سپس فرمود :

«... اندکی نمی‌پاید تا آنکه زمین از بسیاری باریدن باران بر آن (گل) و سُست می‌شود همه خیال می‌کنند این امر حادثه‌ای است مربوط به همان

ناحیه خودشان . پس در میان مردم خویش درنگ می‌کنند و زمین پاره‌های جگر خویش را به سوی آنان پرتاب می‌کند . فرمود : یعنی طلا و نقره را . سپس با دست خویش به ستونها اشاره فرمود و گفت : مثل این . در این روزنه طلا سود می‌بخشد و نه سیم و این معنی قول خداوند که فرمود : « همانا نشانه‌های آن فرا رسید »^۱ .

۸- از امام عسکری علیه السلام نقل است که فرمود :

« مهدی ظاهر نشود مگر بر ترس شدید و زمین لرزه و فتنه‌ای که به مردم می‌رسد و پیش از این طاعون است و شمشیری که جداکننده میان عرب است ، و (در گرفتن) اختلاف شدید بین مردم ، و پراکندگی در دینشان و دگرگونی در حالشان ، (تا آنجا که) فرد هر بام و شام به خاطر ستیزه گیریهای مردم و خوردن آنها (حق) یکدیگر را تمنای مردن می‌کند . خروج او (مهدی «عج») موقعی است که (مردم) از گشایش ، نا امید و مأیوس باشند . پس خوشا به حال آن که مهدی را درک کرد و از یارانش شد و وای و بس وای بر آن که با او و فرمانش راه مخالفت پیشه کرد »^۲ .

۹- از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود : « پیش از قیام قائم پنج نشانه باشد : یمانی ، سفیانی ، منادی که از آسمان ندا می‌دهد ، خسف در بیداء ، و کشته شدن نفس زکیه . فرمود : بین (قیام) قائم آل محمد و کشته شدن نفس زکیه جز پانزده روز فاصله نباشد »^۳ .

۱ و ۲ - منتخب الاثر ، ص ۴۳۴ .

۳ - همان ، ص ۳۴۹ .

همان امام علیه السلام در حدیث دیگری فرماید:

« پنج روز اوّل از ماه رمضان ، پیش از قیام قائم ، خورشید می‌گیرد »^۱.
علاوه بر آنچه گفته شد نشانه‌های بسیار دیگری نیز ذکر شده که به خاطر وجود تشابه میان آنها و روایاتی که بیان گردید ، به همین مقدار بسنده کردیم . از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمود:

« کوفه از وجود مؤمنان خالی خواهد شد ، علم و دانش از آن رخت بر بسته و نهان شود چنانکه مار در سوراخش پنهان می‌گردد ، سپس علم و دانش در دیاری که قم نامیده می‌شود آشکار می‌شود و این شهر ، معدن علم و فضل می‌گردد تا زمانی که در زمین مستضعفی در دین باقی نماند حتی دو شیزگان پشت پرده . این امر صورت نمی‌گیرد مگر هنگام نزدیک شدن ظهور قائم ما . پس خداوند (قم) و مردم آن را قائم مقام حجّت قرار می‌دهد و اگر چنین نمی‌بود زمین ، اهلش را در کام خود فرو می‌برد . و در زمین حجّتی نمی‌ماند تا علم از او به دیگر سرزمینها در مشرق و مغرب سرازیر شود و بدین وسیله حجّت خدا بر خلق تمام گردد تا آنکه کسی بر زمین نمی‌ماند که دین و علم بدو نرسیده باشد . سپس قائم ظاهر می‌شود و سبب کیفر خداوند و خشم وی بر بندگان می‌شود . زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد مگر پس از وقتی که حجّت او را منکر شوند »^۲.

۱ - منتخب الاثر ، ص ۳۴۹ .

۲ - همان مأخذ ، ص ۴۴۳ . به نقل از بحار الانوار .

زمزمه‌های شکوهمند امید و انتظار

۱ - تو پناه منی

... لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

تَعْبُدًا وَرِقًّا.

اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَجِدِّ، وَمُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كُنْتَنِي حِينَ
تَعَيَّنِي الْمَذَاهِبُ، وَتَضَيَّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ.

« به حقیقت ، به حقیقت که هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست ،
و براستی ، براستی هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست ، از روی تعبد
و بندگی جز خدای یکتا هیچ معبودی نیست . »

« خدایا ! ای عزت بخش هر مؤمن تنها ، و ای خوار کننده هر ستمگر
ستیزه جو ، تو پناه منی هنگامی که راههای گوناگون مرا فرسودند و زمین با
همه فراخیش بر من تنگ آمد . »

اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَقَدْ كُنْتُ غَنِيًّا عَنِ خَلْقٍ، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِثْبَاتِي لَكُنْتُ مِنَ
الْمَغْلُوبِينَ، يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا،
وَيَا مَنْ حَصَّنَ مِنْ نَفْسِهِ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَانَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ، وَيَا مَنْ

وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْعَمَلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ،
 أَسْأَلُكَ بِإِسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مُذْعِنُونَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ.

« خدایا! مرا بیافریدی حال آنکه از خلقت من بی نیاز بودی، و اگر یاری دادنت به من نمی بود من از شکست خوردگان می بودم. ای کسی که رحمت را از جایگاهش می گسترانی، و برکتها را از معدنهایش برون می کنی. ای کسی که از نفس خویش رفعت و بلندی را ویژه می گرداند، پس اولیایش به عزت او سرفرازی می جویند، ای کسی که پادشاهان برایش یوغ خواری برگردنهایشان می نهند و از خشم و قدرت او هراسانند، از تو می خواهم به نامت که مخلوقات را بدان پیامریدی، پس همه برای تو فروتن و خوارند، از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی.»

وَأَنْ تَنْجِزَ لِي أَمْرِي، وَتُعَجِّلَ لِي الْفَرَجَ، وَتَكْفِيَنِي وَتُعَافِيَنِي، وَتَقْضِي
 حَوَائِجِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

« و کار مرا محقق فرمایی و در گشایش برای من تعجیل بورزی و مرا یاری دهی و عافیتم ارزانی فرمایی. نیازهایم را بر آورده سازی همین ساعت همین ساعت و همین شب همین شب که تو بر هر چیز توانایی.»

۲ - ستایش برای توست

اللَّهُمَّ إِنَّ أَطْعَمَكَ فَأَلْمَخَمَةَ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتَكَ فَأَلْحُجَّةُ لَكَ. مِنْكَ الرُّوحُ،
وَمِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدِرَ وَعَفَرَ. اللَّهُمَّ إِنَّ
كُنْتُ قَدْ عَصَيْتَكَ فَإِنِّبْ قَدْ أَطْعَمَكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ
بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَلَمْ أَدْعُ لِكَ شَرِيكًا، مِنَّا بِهِ عَلَيَّ، لَا مَنَّا مِنِّي بِهِ
عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتَكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ
عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنِ أَطْعَمْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ
فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ.

« خدایا! اگر تو را فرمان بردم پس ستایش از آن توست و اگر تو را نا
فرمانی کردم، حجت از آن تو است، از توست روح و از توست گشایش
و فرج، منزّه است آن که نعمت داد و سپاس گزارد، پیراسته است آن که
قدرت یافت و آمرزید. خدایا! اگر تو را نافرمانی کرده بودم پس تو را در
محبوب‌ترین چیزها به درگاهت که همان ایمان به توست، اطاعت
کردم، برای تو فرزندی نگرفتم و شریکی برای تو ادعا نکردم و این منتی
است به واسطه ایمان، از تو بر من، نه منتی بدان از سوی من بر تو.
خداوندا تو را معصیت کردم اما نه از روی گردنکشی و نه از روی خروج از
بند بندگی، و نه از روی انکار به ربوبیت تو، لیکن هوای خویش را فرمان
برددم و شیطان مرا گمراه ساخت، پس حجت و بیان از آن توست بر من.»^۱

۳ - خدایا! یاری کن ..

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَانْقَطَعَ
الرُّجْنَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْكَ
الْمُعَوَّلُ فِي الشَّلَّةِ وَالرَّخَاءِ.

« خدایا سختی گران شد، و کار روشن گشت، و پرده فرو افتاد، و امید
قطع شد، و زمین تنگ گردید، و آسمان باز داشته شد، و تویی یاری
گرفته شده، و به درگاه توست شکایت، و در شدت و راحت تکیه بر
توست.»^۱

۴ - خدایا ما را هدایت کن ..

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ،
وَإِكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَسْتِنَانَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمْلَأْ
قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبُهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا
عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ، وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْحَيَانَةِ، وَأَسَدِّدْ
أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَيَّ
الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ بِالإِتْبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَيَّ
مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ،

وَعَلَى مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى الشَّبَابِ بِالإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى
النِّسَاءِ بِالحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الفُقَرَاءِ
بِالصَّبْرِ وَالقَّنَاعَةِ، وَعَلَى العُزَاةِ بِالنُّصْرِ وَالعَلَبَةِ، وَعَلَى الأَسْرَاءِ بِالحَلَاصِ
وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الأَمْرَاءِ بِالعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرُّعِيَّةِ بِالإِنصَافِ وَحُسْنِ
السِّيَرَةِ، وَبَارِكْ لِدُخْجِجِ الزُّوَارِ فِي الزَّادِ وَالتَّنْفِقَةِ، وَأَقْضِ مَا أَوْجَبْتَ
عَلَيْهِمْ مِنَ الحَجِّ وَالعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

« خداوندا! به ما توفیق طاعت و دوری از گناه و صدق نیت و شناخت
حرمت روزی فرما و به هدایت و استقامت مکرم بدار، و زبانهای ما را به
گفتن صواب و حکمت استوار گردان، و دلهای ما را به علم و معرفت
سرشار کن، و شکمهای ما را از حرام و شبهه پاک فرما، و دستان ما را از
ستم و دزدی باز دار، و چشمان ما را از گناهان و خیانت فرو بند،
و گوشهای ما را از شنیدن گفتار بیهوده و غیبت ببند، و زهد و خیر خواهی
بر علمای ما، و تلاش و رغبت بر دانش اندوزان، و پیروی و موعظت بر
شنوندگان، و شفا و راحت بر بیماران مسلمین، و رأفت و رحمت بر
مردگانشان، و وقار و آرامش بر پیرانشان، و بازگشت و توبه بر جوانان،
و حیا و عفت بر زنان، و تواضع و گشاده دستی بر توانگران، و صبر
و قناعت بر تهیدستان، و یاری و پیروزی بر جنگجویان، رهایی و راحت
بر اسیران، و عدل و مهربانی بر فرمانروایان، و انصاف و خوشرفتاری بر
مردم ارزانی فرما، و برای حاجیان و زایران در توشه و نفقه برکت قرار
ده، و آنچه که از حج و عمره بر ایشان واجب کردی به جای آر به فضل

و رحمتت ای مهربان ترین مهربان.»^۱

۵ - شرط زاهد

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَائِكَ فِي أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ
اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ؛ إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ
الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلالَ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي
دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا وَزُخْرُفِهَا وَزِينَتِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ
وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَلَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَالشُّنَاءَ
الْجَلِيَّ، وَأَقْبَلْتَ عَلَيْهِمْ مَلَأْتَهُمْ بِكَرَمَتِهِمْ بِوَحْيِكَ وَرَفَلْتَهُمْ بِعِلْمِكَ،
وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ فَبَعْضُ اسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ إِلَى
أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنْ
الْمَلَائِكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضُ اتَّخَلَّتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً وَسَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي
الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيّاً، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةِ تَكْلِيمِ،
وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَحِبِّهِ رِذْءاً وَوَزِيراً، وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِيهِ وَتَيْتَهُ
الْبَيْتَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلَّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ
مِنْهَاجاً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُلَّةٍ إِلَى مُلَّةٍ،
إِقَامَةَ لِدِينِكَ وَحُجَّةَ عَلَى عِبَادِكَ وَلِمَثَلِ يَزُولِ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَيَغْلِبُ
الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولاً مُنذِراً، وَأَقَمْتَ

۱ - الامام المهدي، ص ۲۴۶، در بلد الامين، ص ۵۲۱.

لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَحْزَى

خدایا! سپاس و ستایش از آن توست بر آنچه که در باره اولیای خویش تقدیر فرمودی. کسانی که برای خود و دینت مخصوص کردی، چون نعیم باقی و بی‌زوال ابدی را که نزد توست برای ایشان اختیار کردی، پس از آنکه زهد در دنیای دون و زیور و زینت آن را با آنان شرط نمودی و آنها هم به این شرط متعهد شدند و تو دانستی که اینان به عهد خود پای بندند، پس ایشان را پذیرفتی و نزدیکشان ساختی و علو ذکر و ثنای آشکار عنایت فرمودی و فرشتگان را بر ایشان فرود آوردی و به وحی خود بزرگیشان دادی و از دانش خویش سیرابشان ساختی و آنها را واسطه و وسیله ورود به بهشت گردانیدی، یکی را در بهشت مسکن دادی تا اینکه از آنجا برونش آوردی، و دیگری را در کشتی‌ات سوار کردی و به رحمت خویش با کسانی که بدو ایمان آورده‌اند از مرگ نجاتش بخشیدی، و یکی را برای خویش دوست گرفتی و او زبان راستی را در امم آخر از تو خواست و تو تقاضایش را اجابت کردی و او را به جایگاه والا رسانیدی، و با یکی از (بوسیله) درخت سخن گفتی و برای او برادرش را مدافع و وزیر قرار دادی، و یکی را بی آنکه پدری داشته باشد به دنیا آوردی و بدو بیانات دادی و با روح القدس مؤیدش داشتی و برای هر یک شریعت و آئینی قرار دادی و جانشینانی برگزیدی تا هر یک پس از دیگری حافظ و نگاهبان دین تو، و بر بندگان تو حجت باشند از مدتی تا مدت دیگر و برای آنکه حق از قرارگاهش خارج نشود و باطل بر اهل حق چیرگی نیاورد و کسی

نگوید چرا بیم دهنده‌ای به سوی ما نفرستادی و برای ما در فشی هدایتگر بر
نیفراختی تا پیش از آنکه ذلیل و خوار شویم از نشانه‌های تو پیروی
کنیم.»^۱

۶ - برگزیده در پیمان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ، الْمُنتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الضَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ
أَفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلسَّعَاةِ، الْمُقَوَّضِ
إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ. اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ، وَارْفَعْ
دَرَجَتَهُ، وَأَضِيئْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ
وَالْوَسِيلَةَ، وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مُخَوِّدًا يَخْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ
وَالْآخِرُونَ

«بار خدایا! بر محمد سرور فرستادگان و خاتم پیامبران و حجّت
پروردگار جهانیان درود فرست، او که در پیمان برگزیده است و در
سایه‌ها منتخب، پاک از هر آفت، و به دور از هر عیب است، برای
رهایی بدو آرزو برند و برای شفاعت بدو امید بندند، کسی که دین خدا بدو
تفویض شده است. خدایا! بنیان او را شرافت بخش و برهانش را والایی ده
و حجّتش را پیروزی عطا کن و مرتبه‌اش را بلندی ده و نورش را درخشان

۱ - تحفة الزائر، فی ادب زیارته علیه السلام.

ساز و سیمایش را سپید و نورانی گردان و بدو فضل و فضیلت و منزلت و وسیلت و درجۀ والا عطا کن و او را به جایگاه پسندیده بر انگیز تا مورد غبطۀ اولین و آخرین واقع شود»^۱.

۷ - خدایا به حمد تو آغاز ستایش می‌کنم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، وَأَيَقَنْتُ
أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ العَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي
مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقِمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الكِبْرِيَاءِ وَالعِظَمَةِ.
اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مِدْحَتِي، وَأَجِبْ
يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا عَفُورٌ عَثْرَتِي ...

الحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْقُلُوبِ، مُسَحِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الإِصْبَاحِ،
دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنْاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى
مَا يُرِيدُ.

الحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ الإِصْبَاحِ، ذِي الجَلَالِ
وَالِإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى، وَقَرِيبِ فَشْهِدِ النَّجْوَى،
الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الخَائِفِينَ، وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ المُسْتَضْعَفِينَ،
وَيَضَعُ المُسْتَكْبِرِينَ، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ؛ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ

الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُذْرِكِ الْهَارِبِينَ، نَكَالِ الظَّالِمِينَ، صَرِيحِ
الْمُسْتَضْرِحِينَ، مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ....

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا
النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ،
وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا، وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَيْبَةَ وَلِيِّنَا،
وَكَثْرَةَ عُلُونِنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَيَضُرُّ تَكْشِيفُهُ،
وَنَضُرُّ تَعِيزُهُ، وَسُلْطَانٍ حَقُّ تَظْهِرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَا، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ
تُلْبِسُنَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

« خدایا! من به ستایش تو آغاز ثنا می‌کنم که تو به نعمت و احسان
خویش راه صواب را استوار می‌داری و یقین آورم که در موضع عفو
و رحمت، مهربان‌ترین مهربانی و سخت‌ترین کین‌کشنده‌ای در جایگاه
عقاب و انتقام، و بزرگ‌ترین جبارانی در موضع کبریا و بزرگی.

خدایا! به من رخصت دادی تا تو را بخوانم و بخوام پس بشنوی
شوای مدح و ستایشم و پاسخ گوی ای آنکه به مهربانی دعایم را می‌شنوی
و ای آمرزنده لغزشم را بیامرزد...

سپاس خدا را مالک هستی، گرداننده کشتیها، رام کننده باده‌ها،
شکافنده صبحگاهان، حکمفرمای روز جزا، پروردگار جهانیان،

و سپاس خدا را بر عفو او پس از قدرتش، و سپاس خدا را بر حلم و بردباری دیر پای او در خشم و غضبش حال آنکه او بر آنچه خواهد تواناست. سپاس خدا را آفریننده موجودات، گسترده روزی، شکافنده صبحگاهان، صاحب شکوه و بزرگواری و فضل و بخشایش، آن که دور شود و دیده نشود و نزدیک شد و شاهد رازهای نهان است، بزرگوار و بلند مرتبه ...

سپاس خدا را آن که ترسیدگان را ایمنی می بخشد و صالحان را رهایی می دهد و مستضعفان را بالا می برد و مستکبران را فرو می نهد و پادشاهانی را هلاک می کند و دیگران را به جانشینی می گمارد، و سپاس خدا را کوبنده ستمگران، هلاک کننده ظالمان، دریابنده گریزندگان، به کیفر رساننده ستمگران، فریادرس فریادخواهان، مرجع حاجات نیازمندان، تکیه گاه اهل ایمان.

خدایا! ما به تو امید داریم تا دولت با کرامت (امام زمان) را به ظهور آوری و بدان اسلام و مسلمانان را سرافرازی دهی و نفاق و منافقان را خوار گردانی و ما را در آن از دعوتگران به طاعت خویش و راهبران به راه خویش قرار دهی و بدان کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی فرمایی.

خدایا! آنچه که از حق به ما باز شناساندی ما را به عمل بدان نیز وادار، و آنچه از (شناخت) آن کوتاهی ورزیدیم بدان برسان.

خدایا! ما از فقدان پیامبرمان و غیبت پیشوایمان و فراوانی دشمنان و اندکی شمارمان و سختی فتنه‌ها و غلبه روزگار بر خود به تو شکایت می کنیم.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در همه این امور با فتح عاجل از جانب خود، و بر طرف کردن رنج و سختی از ما نصرت خویش و عزت و سلطنت حقه که تو آن را آشکار می گردانی، پیروزی عطا کن و به رحمتی از توجه خویش که همه ما را فرا گیرد و جامه سلامت، که ما را بپوشاند یاوری فرما، به حق رحمت نامتهایت، ای مهربان ترین مهربان»^۱.

سخن آخر

از هزار و صد و شصت و یک سال پیش، یعنی از زمان ولادت آن حضرت صلی الله علیه و آله در سال ۲۵۵ هجری تا این سال یعنی ۱۴۱۶ هجری، سرور ما امام مهلبی «عج» در میان سجده کنندگان است و شبها را با تهجد برای خدا زنده نگاه می دارد و روزها را به عبادت و تسلیم در برابر پروردگار جهانیان سپری می کنند.

او منتظر فرا رسیدن لحظه یاری است، تا زمانی که خداوند به او اجازه فرج دهد. آن حضرت نیز همانند دیگر مؤمنان از خداوند فرج نزدیک را خواستار است و در نتیجه به برترین اعمال امت محمد صلی الله علیه و آله یعنی انتظار فرج مشغول است.

آه که چه آبرویی در پیشگاه خداوند دارد! پس حاجتهای خود را فراروی خویش قرار دهیم و با توکل به او از پروردگاران بخوایم که این اندوه را از امت رنجیده ما بزداید.

بسیارید او را به هنگام شنت یافتن دشواری بخوانیم و پروردگاران را به بنده صالحش که برای نصرت بندگان مستضعف خود او را ذخیره داشته، سوگند دهیم تا عذاب را از ما بردارد.

بسیارید خدا را بخوانیم و با جدیت از او بخوایم که سیمای تابانش را به ما بنمایاند و ما را در جرگه یاران و یاورانش قرار دهد.

ان شاء الله

۱ - تحفة الزائر، فی ادب زیارته صلی الله علیه و آله.

فهرست مطالب

پیشگفتار مؤلف	۵
تباری پاک و بزرگوار	۹
امام مهلبی (عج) کیست؟	۹
ميلاد امام مهلبی	۹
پنهان بودن ميلاد حجّت الله	۱۳
دوره امامت، چگونه آغاز شد؟	۱۴
غیبت صغری	۱۸
شمايل و صفات امام غائب	۲۱
انتظار فرج یا آرزوی شورآفرین	۲۴
امام زمان در آیات و روایات	۲۸
مسألة طول عمر	۲۹
دین و پدیدة طول عمر	۳۰
آیا امام مهلبی زنده است؟	۳۱
مهلبی، حجّت شاهد	۳۵
امام در کتابهای آسمانی	۳۶

نشانه‌های ظهور.....	۴۰
زمزمه‌های شکوهمند امید و انتظار.....	۴۷
۱- تو پناه منی.....	۴۷
۲- ستایش برای توست.....	۴۹
۳- خدایا! یاری کن.....	۵۰
۴- خدایا ما را هدایت کن.....	۵۰
۵- شرط زاهد.....	۵۲
۶- برگزیده در پیمان.....	۵۴
۷- خدایا به حمد تو آغاز ستایش می‌کنم.....	۵۵
سخن آخر.....	۵۸

سوالات مسابقه کتاب

زندگانی بقیة الله الأعظم حضرت مهدی (عج)

۱- نام مادر امام مهدی چه بود؟

الف : سلیل ب : نجمه ج : نرجس د : سمان

۲- امام مهدی در چه شهری متولد شد؟

الف : سامرا ب : بغداد ج : مدینه د : مکه

۳- امام مهدی در روزگار کدام خلیفه عباسی متولد شد؟

الف : متوکل ب : معتصم ج : منتصر د : معتز

۴- حکیمه چه نسبتی با امام حسن عسگری داشت؟

الف : خواهر او بود ب : عمه پدرش بود

ج : همسر او بود د : عمه او بود

۵- کدام خلیفه دستور به شهادت رساندن امام حسن را داد؟

الف : منتصر ب : معتصم ج : متوکل د : هیچکدام

۶- عبدا.. بن یحیی که بود؟

الف : از نواب ب : از یاران امام

ج : وزیر خلیفه د : تاریخ نگار

۷- جعفر چه نسبتی با امام مهدی داشت؟

الف : برادر او بود ب : عموی او بود

ج : دایی او بود د : هیچکدام

۸- کدام یک از افراد زیر جزء نواب اربعه نیست؟

الف : عثمان بن سعید ب : محمد بن عثمان

ج : حسین بن روح د : عبدالله بن یحیی

۹- این سخن از کیست؟

«مهدی را از روی سکینت و وقاری که دارد و همچنین دانش او به حلال و حرام و نیازمندی مردم به او و بی‌نیازی او از مردم می‌شناسید»

الف : امام حسین علیه السلام ب : امام حسن عسکری علیه السلام

ج : امام حسن مجتبی علیه السلام د : حسین بن روح

۱۰- این سخن از کیست؟ «بهترین کارهای امت اسلام، انتظار فرج است»

الف : امام حسین علیه السلام ب : امام علی علیه السلام

ج : پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله د : هیچکدام

۱۱- امام مهدی در چه روزی متولد شدند؟

الف : ۱۵ شعبان ب : ۲۵ شعبان

ج : ۱۵ رجب د : هیچکدام

۱۲- امام مهدی (عج) در چند سالگی به امامت رسیدند؟

الف : ۱۵ سالگی ب : ۵ سالگی ج : ۷ سالگی د : ۲۵ سالگی

۱۳- غیبت صغری چند سال طول کشید؟

الف : حدود ۵۰ سال ب : حدود ۶۰ سال

ج : حدود ۷۰ سال د : حدود ۸۰ سال

۱۴- نیابت محمد بن عثمان چند سال طول کشید؟

الف : ۸ سال ب : ۱۸ سال ج : ۲۸ سال د : ۳۸ سال

۱۵- پس از حسین بن روح چه کسی نیابت را بر عهده گرفت؟

الف : محمد بن عثمان ب : عثمان بن سعید

ج : اعلی بن سمری د : هیچکدام

۱۶- کدام یک از افراد زیر هنوز زنده‌اند؟

الف : عیسی ب : ادريس ج : خضر د : هر سه

۱۷- کدام یک از القاب زیر، از آن امام مهدی نیستند؟

الف ، امام عصر ، ب ، ابوالقاسم ، ج ، بقیة الله ، د ، موعود
 ۱۸ - نام دیگر مادر امام چه بود ؟

الف ، نجمة ، ب ، سمانه ، ج ، فاطمه ، د ، صیقل
 ۱۹ - چرا تولد امام زمان باید پنهان می ماند ؟

الف ، شرایط سیاسی ، ب ، خطر ارتداد مردم

ج ، شرایط اقتصادی ، د ، هر سه

۲۰ - رحلت امام حسن عسگری در چه تاریخی بود ؟

الف ، چند روز گذشته از ماه ربیع الاول سال ۲۶۱

ب ، چند روز گذشته از ماه ربیع الاول سال ۲۵۹

ج ، چند روز گذشته از ماه ربیع الثانی ۲۶۰

د ، چند روز گذشته از ماه ربیع الاول سال ۲۶۰

الف	ب	ج	د	۱۱-	الف	ب	ج	د	۱-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۲-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۳-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۴-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۵-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۶-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۶-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۷-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۷-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۸-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۸-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۹-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۹-
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۰-	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۰-